جعبه جادو

پاسخ تهیه‌کننده خندوانه به حواشی مالی این برنامه

صفر تومان هم سود نمی‌بریم



● **شرق:** تب خندوانه هم فروکش کرد. قسمت آخر این برنامه تلویزیونی که مدت زمانی بیش از برنامه‌های معمول روی آنتن رفت، با بینندگانش خداحافظی کرد و وعده دیدار مجدد و در فصل دیگری را به مخاطبانش داد. هرچند که تلاش سازندگان این برنامه تلویزیونی در قسمت آخر، خداحافظی‌ای در شأن مردم و برنامه بود، اما حرف‌وحدیث‌ها پیرامون این برنامه تمامی ندارد. درست بعد از پایان برنامه، خبرهایی از این دست که قسمت آخر برنامه دچار سانسور و ممیزی شده است و بیشتر از همه استندآپ‌کمدی‌ها با جرح و تعدیل روی آنتن رفته است خبرساز شد. جواد فرحانی که حالا بعد از پخش آخرین قسمت، خسته چندین‌ماه کار مداوم است، درباره حواشی اخیر «خندوانه» به «شرق» گفت: قسمت آخر برنامه زمان طولانی‌تری نسبت به برنامه‌های معمول داشت و اساسا استفاده از کلمه سانسور بار معنایی بدی برای یک برنامه دارد. به‌هرحال همیشه عنوان شده است که رسانه ملی جای بیان هر مطلبی نیست و بخش‌هایی که احساس کردیم برای پخش مناسب نیست را خودمان کوتاه کردیم. همه ما بعد از سال‌ها کار در تلویزیون چارچوب‌های این مدیوم را می‌شناسیم و آن را پذیرفته‌ایم. دلیلی ندارد چیزهایی که از دید خود ما برای پخش مناسب نیست اصراری هم برای پخش آنها داشته باشیم. بنابراین اصلاحات را خودمان انجام می‌دهیم. او ادامه داد: جالب است که این گمانه‌زنی‌ها مبنی‌بر پخش‌نشدن بخش‌هایی از برنامه در حالی مطرح می‌شود که هیچ پرسشی از سازندگان برنامه‌ها مبنی‌بر درست یا غلط‌بودنش نمی‌شود. مدیران تلویزیون همیشه پشتیبان این برنامه بودند در غیراین‌صورت نمی‌توانست در تمام این مدت آنتن داشته باشد. اما بخش دیگری از گفت‌وگو با فرحانی پیرامون حواشی مالی خندوانه بود. مدت‌هاست که از رامبد جوان و گروهش به‌عنوان کسانی یاد می‌شود که از طریق برنامه پربیننده‌شان توانستند آورده مالی برای رسانه ملی داشته باشند و خودشان هم از این سود مالی بی‌نصیب نماندند. این حواشی وقتی پررنگ‌تر شد که رئیس سازمان ملی استاندارد میهمان برنامه شد و صحبت با این مدیر بیشتر با حضور خانواده‌اش در استودیو همراه شد و از سازمان ملی استاندارد و مسئولیت‌های آن حرف زیادی به میان نیامد. فرحانی می‌گوید که سازمان ملی استاندارد قراردادی با تلویزیون دارد و طرف حساب مالی این سازمان، تلویزیون است. او می‌گوید: خندوانه نمی‌تواند با شخص یا ارگانی به‌تنهایی قرارداد ببندد و اینکه پول‌هایی که بابت قرارداد میان سازمان و ارگان‌هایی که اسپانسر می‌شوند، چطور به تلویزیون تزریق می‌شود سؤالی نیست که ما به آن جواب بدهیم. او ادامه داد: در مورد این پرسش‌ها مشخصا باید مدیران پاسخ‌گو باشند. تلویزیون از ما درخواست دعوت از میهمان خاصی را دارد و ما هم انجام می‌دهیم و تعاملی دراین‌میان وجود دارد که باعث می‌شود برنامه پیش برود. بار مالی این اتفاق به‌هیچ‌وجه به خندوانه مربوط نیست و ما پاسخ‌گو نیستیم. بخش امور مالی سازمان یا مدیران تلویزیون باید پاسخ این پرسش‌ها را بدهند. فرحانی در پاسخ به این پرسش که بابت حضور اسپانسر در برنامه چقدر سود مالی به برنامه و عوامل آن تزریق می‌شود؟ گفت: حتی اگر تهیه‌کننده به‌طور مشخص اسپانسر بیاورد، صفر تومان هم سود نمی‌برد. گروه خندوانه نزدیک هشت‌ماه مداوم با تمام گرفتاری‌ها کار کرد و هیچ‌کس نپرسید که از کجا پول آوردیم و هزینه کردیم؟ در مورد هزینه‌ها کسی سؤال ندارد و تنها پرسش‌ها در مورد اسپانسرهاست. جواد فرحانی و رامبد جوان این روزها فارغ از تمامی حواشی پیرامون خندوانه برای همکاری مجدد آماده می‌شوند؛ فیلم سینمایی «نگار» که رامبد جوان آن را کارگردانی می‌کند و نگار جواهریان و پیمان معادی تاکنون حضورشان در این پروژه قطعی شده است و صحبت خاصی درباره زمان شروع فصل بعدی خندوانه مطرح نیست.



بهروز غریب‌پور در اعتراض به اجرای اپرای عاشورا توسط ارکستر سمفونیک

بردن سفیر چین روی سن معامله سیاسی است

عسل عباسیان: اجرای اپرای عاشورا در شب‌های ماه محرم توسط ارکستر سمفونیک تهران به آهنگ‌سازی بهزاد عبدی، اعتراض بهروز غریب‌پور که مبدع این اپرا بوده را در پی داشت. ازهمین‌رو با غریب‌پور درباره این اقدام علی رهبری، مدیر هنری ارکستر سمفونیک، گپ‌وگفتی داشته‌ایم.

اپرای عاشورا که توسط ارکستر سمفونیک در روزهای گذشته اجرا شد، حواشی‌ای به دنبال داشت. شما خودتان آن را دیدید؟

نه ندیدم. اتفاقا در پاسخ به اعتراضات من مبنی بر عدم اجازه ارکستر سمفونیک از من به‌عنوان پژوهشگر و کارگردان برای اجرای این اثر، آقای رهبری جوابیه‌ای دادند که برای من جای تعجب داشت. ایشان به‌عنوان مدیر هنری ارکستر گفتند پارتیتور را از آقای عبدی آهنگ‌ساز گرفتند و در جریان این که غریب‌پور متن را نوشته نبودند و بعد در جریان قرار گرفتند! اما اگر کاری روی اصول حرفه‌ای باشد، به‌خصوص که از آقای رهبری پس از سال‌ها کار در اروپا توقع می‌رود حتما این اصول رفتار حرفه‌ای را مدنظر داشته باشند، باید پرسید وقتی پارتیتور اثر را گرفتند نباید جویا شوند که اگر نویسنده اثری در قید حیات است، طبق روال حرفه‌ای با نویسنده تماس گرفته شود؟ من در زمان اجرای این اثر، لحظه‌ای حتی آهنگ‌ساز و خواننده‌ام را رها نکردم تا خودشان تمرین کنند. تماما بالای سر کار بودم. حالا نباید بنا بر اصول حرفه‌ای، وقتی نویسنده اثر که با چنین حساسیتی این اثر را اجرا کرده و هنوز در قید حیات است در جریان قرار گیرد؟ آقای رهبری در جوابیه‌شان گفتند ای کاش غریب‌پور سر تمرینات ما می‌آمد. یعنی شأن من در حدی است که خودم سر تمرین بروم؟ رهبری، به‌عنوان مدیر هنری ارکستر، کاملا غیرحرفه‌ای رفتار کرده. یک وقتی هست نویسنده اثر غایب است یا در قید حیات نیست، آن وقت می‌توان گفت چنین اتفاقی محتمل است اما من که زنده‌ام و در ۵۰ قدمی تالار وحدت هستم! آن وقت حتی به من اطلاع ندادند، بعد هم سفیر چین را دعوت کرده‌اند، من حداقل بیش از سفیر چین لازم بود این کار را ببینم. آقای رهبری گفته بودند اگر شب اول من برای تماشای کار می‌رفتم از من نیز دعوت می‌کردند روی سن بروم! من نیازی به دعوت آقای رهبری برای حضور روی سن ندارم، تماشاگران آثارم هم همیشه لطف داشته‌اند و بسیار روی سن تشویق شده‌ام! کمبود تشویق ندارم، تمام نارضایتی‌ام به‌خاطر خلأ عنصر حرفه‌ای در این اتفاق است. این اتفاق از سویی، ناسپاسی بهزاد عبدی است. من با اپرای عاشورا او را وارد عرصه حرفه‌ای کردم. بردن سفیر چین روی سن چه معنا دارد؟ مسلما فقط یک معامله سیاسی است. سفیر چین آیا شبانه‌روز برای این کار پژوهش کرده؟ که روی سن دعوت می‌شود اما من حتی از اجرای آن باخبر نیستم؟! باید گریست بر این اوضاع که حق یک نفر به‌راحتی پایمال می‌شود. آقای رهبری تصور کرده بودند که من و بهزاد عبدی دعوا داریم! نمی‌دانم چطور به چنین استنباطی رسیدند! من برای اپرای دیگرم حق دارم آهنگ‌ساز دیگری انتخاب کنم. سه اپرا با بهزاد عبدی کار کردم، بقیه اپراهایم را هم با دیگران کار کردم. از اساس دعوایی وجود نداشته. اصلا به‌فرض که ما دعوا داشتیم! مدیر هنری ارکستر موظف است ما را در جریان بگذارد. چطور ممکن است نویسنده و پژوهشگری در قید حیات باشد و خودبه‌خود بدون دعوت‌نامه در بین جمعیت بنشینند تا صدایش کنند و برود روی صحنه؟! با این حرف‌هایشان نه‌تنها عمل غیرحرفه‌ای‌شان را توجیه نکردند، بلکه کار را خراب‌تر کردند.

نباید بنا بر اصول حرفه‌ای، وقتی نویسنده اثر که با چنین حساسیتی این اثر را اجرا کرده و هنوز در قید حیات است در جریان قرار گیرد؟ آقای رهبری در جوابیه‌شان گفتند ای کاش غریب‌پور سر تمرینات ما می‌آمد. یعنی شأن من در حدی است که خودم سر تمرین بروم؟ یک وقتی هست نویسنده اثر غایب است یا در قید حیات نیست، آن وقت می‌توان گفت چنین اتفاقی محتمل است اما من که زنده‌ام

شما در اعتراضاتتان از پایمال‌شدن حق مؤلف حرف زدید. یعنی اصلا در جریان اجرای این اپرا نبودید؟

مطلقا. وقتی از اجرای چنین اثری در اخبار یاد شده بود، چون اسمی از نویسنده و آهنگ‌سازش برده نشده بود، فکر کردم حتما بناست کار آقای سعید شریفیان یعنی «خسوف» را اجرا کنند. چون او در رابطه با عاشورا قطعه‌ای بسیار پرشور نوشته. چون در جریان اجرای اپرای عاشورا قرار نگرفته بودم، اصلا فکرش را نمی‌کردم که دارند کار مرا روی صحنه می‌برند. درست است که بنیاد رودکی می‌تواند بگوید حقوق مادی و معنوی اثر مال من است، اما تمام کارهای کارگردانی و پژوهش و طراحی اثر را هم من انجام دادم! در نظام حرفه‌ای حداقل باید مرا در جریان قرار می‌دادند. آقای جمالی (مدیر بنیاد رودکی) به من گفتند علی رهبری در جریان نبوده که لیبرتوی عاشورا توسط چه کسی نوشته شده به همین دلیل با من تماس نگرفته. تا اینکه به آقای جمالی مراجعه می‌کند و می‌فهمد من آن را نوشته‌ام. مگر ممکن است مدیر هنری کاری را آغاز کند و نداند لیبرتوی آن مال کیست؟ تصور می‌کنم آقای رهبری خلق‌الساعه اثر آقای شریفیان را می‌خواستند اجرا کنند، احتمالا با اجرایش موافقت نشده، به‌سرعت این اثر را جایگزین کرده‌اند. وقتی علی رهبری به‌عنوان رهبر ارکستر سمفونیک به ایران آمد همه خوشحال بودیم یک فرد حرفه‌ای از اروپا آمده تا اوضاع را تغییر دهد. اما رفتاری دیدیم خلاف این. حداقل محض احترام، علی رهبری باید از نویسنده این کار اجازه می‌گرفت.

شما به طعنه گفته بودید روی سن تالار وحدت کسی شما را نمی‌شناسد. چه مجموعه‌رفتارهایی شما را به این اعتراض کشاند؟

بله این جمله کنایه‌آمیز من بود به آقایان عبدی و رهبری که وقتی روی سن تالار وحدت هستند مرا نمی‌شناسند! بنیاد رودکی چطور به خودش اجازه داده که حداقل اطلاعات را درباره خالق این اثر به مدیر هنری ارکستر سمفونیک ندهد؟ جمع آقایان تصمیم‌گیری کردند بی‌اینکه مرا در جریان بگذارند. اگر علی رهبری سال‌ها ایران نبوده و اطلاعات ندارد خب باید اطلاعات کسب کند. رهبری درباره اهمیت تعزیه هم صحبت کرده و گفته ایرانیان قدر تعزیه را ندانسته‌اند! بعد حتما یادش رفته که ۱۳ سال پیش من بنیان‌گذار احیای اپرای ملی بودم! و چه کاری برای تعزیه کردم! آقای رهبری تحقیقات نکرده که ببیند این حرکت سالیان پیش آغاز شده است.

شما تنها نبودید، بیضایی، رحمانیان و... نیز در این زمینه فعال بوده‌اند.

بله، ولی علی رهبری به هیچ‌یک از این اتفاقات اشراف ندارد. در بیانیه‌ای که داده است، طوری راجع به تعزیه حرف زده که انگار همه ما سال‌ها منتظر بودیم تا علی رهبری از فرنگ بیاید و ما را درباره تعزیه آگاه کند! ما سال‌ها تلاش کردیم آیین‌های هنری ایران فراموش نشود و حالا امروز این آقا بر جاده هموار می‌تازند! موقعی که اپرای عاشورای من روی صحنه رفت، آقای رهبری کجا بودند؟ کافی بود از طریق روابط اداری اقدامات حرفه‌ای را به عنوان مدیر هنری ارکستر انجام دهند و مسئولیتشان را به‌جا آورند تا لازم نباشد اهمیتی را که برای تعزیه قائل‌اند به رخ ما بکشند!

اما خبر دیگری که این روزها در حوزه تئاتر، بسیار دوباره آن بحث می‌شود، حادثه فروریختن پیشانی تالار اصلی تئاترشهر است. به نظر شما دراین‌باره باید چه تمهیدی اندیشیده شود؟

کاری که در دست فرد حرفه‌ای نباشد و در ضمن آن فرد با هول و شتاب عمل کند، نتیجه‌اش جز این نخواهد شد. بارها گفته‌ام تئاتر شهر به تعطیلی احتیاج دارد. بازسازی باید بدون حضور تئاتری‌ها در فضای تئاتر شهر انجام شود و بعد از اتمام بازسازی، اجراها از سر گرفته شوند. نمی‌شود بخشی از مکان ساختمان‌سازی شود و در بخشی دیگر هم به تمرین و اجرا بپردازند! مثل هر کار حرفه‌ای دیگری در دنیا. اگر اجراها به تعویق بیفتد، اما نهایتا کار درست انجام شود، هیچ اشکالی ندارد. باید چارچوب‌ها و نظام حرفه‌ای در این بازسازی رعایت می‌شد و در تئاتر شهر بسته شود تا زمانی که همه فضاها آماده بهره‌برداری شوند و هیچ خطری کسی را تهدید نکند. تازه شانس آوردیم افراد بیشتری آسیب ندیده‌اند. خواهشم این است از اینجا به بعد تا پایان بازسازی تئاتر شهر، کلا آن را تعطیل کنند تا افراد بیشتری آسیب نبینند و متحمل خسارات زیان‌باری نشویم.



ممنوع‌الکاری ۲۴ خواننده تکذیب شد

تکذیب ارشاد، واکنش خوانندگان در صفحات مجازی

شرق: از یک طرف مسئولان ارشاد وجود فهرست ممنوع‌الکارها را تکذیب می‌کنند و از طرف دیگر خوانندگان در صفحات اجتماعی خواستار حذف آثارشان از یک سایت هستند. ماجرای انتشار آثار برخی از خوانندگان در یک سایت مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای خبری است که بعد از چندروز حرف‌وحدیث، شکل رسمی گرفت.

در یکی، دو روز گذشته موضوع ممنوع‌الکاری ۲۴ خواننده که بیشتر آنها پاپ هستند، به یکی از خبرهای غیررسمی گروه‌ها و صفحات مجازی تبدیل شد تا اینکه بالاخره روز قبل، ۲۷ مهر با گفت‌وگوی برخی از خبرگزاری‌ها با مسئولان ارشاد شکل رسمی به خود گرفت. ماجرا با تیتر «ممنوع‌الکاری ۲۴ خواننده» شروع شد. در بخشی از این مطلب به نقل از منابع آگاه عنوان شد: «در نامه‌ای که در اختیار برخی خواننده‌ها قرار گرفته است، همکاری با سایت «رادیو جوان»، پخش کلیپ در شبکه‌های ماهواره‌ای، برخی تخلفات در کنسرت‌های خارج از کشور و... ازجمله دلایل ممنوع‌الکاری این خواننده‌ها عنوان شده است. این نخستین‌بار است که ممنوع‌الکاری خواننده‌ها به صورت مکتوب به آنها ابلاغ شده است. به نظر می‌رسد دو ماه تعطیلی فعالان حوزه موسیقی به مناسبت ایام محرم و صفر، بهترین زمان برای رسیدگی به این موضوع بوده که برخی دستگاه‌ها به‌شدت در چند روز گذشته پیگیر آن هستند».در ادامه این متن، ضمن نام‌بردن از برخی از خواننده‌ها، به دلایل ممنوع‌الکاری آنها اشاره شده است: «فرزاد فرزین (انتشار آثار در سایت «رادیو جوان» و پخش ویدئوکلیپ‌هایش در شبکه‌های ماهواره‌ای)، سیروان و زانیار خسروی (انتشار آثار در سایت «رادیو جوان» و پخش ویدئوکلیپ‌هایش در شبکه‌های ماهواره‌ای)، رضا صادقی (انتشار آثار در سایت «رادیو جوان» و پخش ویدئوکلیپ‌هایش در شبکه‌های ماهواره‌ای)، محسن یگانه (برخی تخلفات در کنسرت کانادا - سایت رادیو جوان)، سعید مدرس (انتشار آثار در سایت «رادیو جوان» و پخش ویدئوکلیپ‌هایش در شبکه‌های ماهواره‌ای)، مهدی مدرس (پخش ویدئوکلیپ در شبکه‌های ماهواره‌ای)، شهرام شکوهی (انتشار آثار در سایت «رادیو جوان» و پخش ویدئوکلیپ‌هایش در شبکه‌های ماهواره‌ای)، محسن چاوشی (انتشار آثار در سایت «رادیو جوان») و افرادی چون احسان خواجه‌امیری، علی لهراسبی، گروه چارتار، همایون شجریان، حافظ ناظری و... از دیگر چهره‌هایی هستند که فعلا ممنوع‌الکار شده‌اند».

به‌دنبال این جریان، علی مرادخانی، معاون امور هنری وزارت ارشاد، صبح دیروز به ایسنا گفت: «خبری که به‌تازگی مبنی‌بر ممنوع‌الکارشدن خوانندگان منتشر شده است، صحت ندارد. خبر ممنوع‌الکارشدن چند هنرمند موسیقی به‌دلیل همکاری با «رادیو جوان» واقعی نیست. من به‌هیچ‌وجه دنبال ممنوع‌الکاری هنرمندان نبوده و نیستم و همیشه سعی کرده‌ایم، شرایط را به‌گونه‌ای فراهم کنیم که آنها بتوانند داخل کشور فعالیت کنند». اما فرزاد طالبی، سرپرست دفتر موسیقی وزارت ارشاد، چندساعت پیش از آن به مهر گفته بود: «اگر هم ممنوع‌الکاری در این فضا به وجود آمده باشد، قطعا دائمی نیست و راه‌حل قانونی نیز در این زمینه وجود دارد». این جمله که به‌نوعی با حرف‌های مرادخانی نیز متناقض بود، باعث شد تا درباره جزئیات این خبر به سراغ طالبی برویم. او به «شرق» گفت: «این خبر صحیح نیست. فهرستی در مورد این تعداد خواننده‌ای که در خبرها آمده است، در وزارت ارشاد وجود ندارد اما صحبتی که من کرده‌ام در مورد بحث کیفی است. از من در مورد همکاری با سایت رادیو جوان پرسیده شد که من هم گفتم براساس ضوابط ما، همکاری با یک سایت معاند، قانونی نیست».

او در پاسخ به این پرسش که آیا به خواننده‌ای برای همکاری با سایت رادیو جوان تذکر داده شده است، اظهار کرد: «در مورد این سایت نه امروز بلکه در گذشته هم به خوانندگان تذکر داده شده و این کار از سوی مراجع ذی‌صلاح صورت گرفته است اما همچنان تأکید می‌کنم فهرستی در مورد خوانندگان وجود ندارد و این خبر، کذب محض است».

طالبی درباره اینکه برخی از خوانندگان در روزهای اخیر در فضای مجازی خواستار حذف آثارشان از سایت رادیو جوان شده‌اند و دلیل این هم‌زمانی با انتشار خبر ممنوع‌الکاری ۲۴ خواننده چیست، چنین گفت: «باید از کسانی که این خبر را ساخته‌اند، پرسید. هیچ فهرستی در ارشاد نیست. امکان تذکر هست همچنان که در گذشته هم بوده است اما وقتی هم مشکلی پیش بیاید، راه‌حلی هم دارد. اگر این افراد همکاری با این سایت نداشته‌اند، که به دلیل انتشار غیرقانونی آثارشان از آن شکایت می‌کنند اما اگر هم همکاری کرده‌اند باید مراحل قانونی را طی کنند».

سرپرست دفتر موسیقی ادامه داد: «کلمه ممنوع‌الکاری که در این خبرها آمده، برای من عجیب است. طبیعی است دفتر موسیقی ابزارهایی برای کنترل قوانین موجود دارد تا برای اشتباه یک فرد و دفتر در حوزه موسیقی استفاده کند ولی اینکه کسی به دلیل این اشتباه، ممنوع‌الکار شود درست نیست. ممکن است به‌دنبال تذکر، کارش برای مدتی متوقف شده باشد».

همچنین برای صحبت درباره این موضوع با برخی از خوانندگانی که نامشان در این متن منتشر شده بود تماس گرفتیم که موفق به صحبت با دو نفر از آنها شدیم. محسن چاوشی با بیان اینکه اطلاعی از این جریان ندارد، به «شرق» گفت که پیش از این حدود یک سال قبل به او تذکری ابلاغ شده است. حافظ ناظری هم با بیان اینکه در این ماجرا نبوده و اطلاعاتی ندارد، عنوان کرد که تذکری در این مورد به او داده نشده است.

به گزارش سایت موسیقی ما، به‌موازات انتشار این خبر، فرزاد فرزین که در آستانه انتشار آلبوم رسمی و آلبوم تصویری خود به مشکلات و اختلالاتی در اخذ مجوزهای آثارش به‌واسطه انتشار آثارش در این سایت خارج از کشور و همچنین پخش بدون اجازه برخی ویدئوکلیپ‌های مجوزدارش از چند شبکه ماهواره‌ای برخورده، در صفحات شخصی‌اش با انتشار متنی، ضمن انتقاد از این رفتارها، به مسئولان سایت رادیو جوان، بار دیگر نسبت به جلوگیری از انتشار و بازنشر آثارش هشدار داد. سینا شعبانخانی، دیگر خواننده‌ای است که شنبه‌شب به این موضوع واکنش نشان داد و در صفحات شخصی خود از مسئولان رادیو جوان خواست انتشار آثارش را متوقف کنند و آثار بعدی این خواننده نیز در این رسانه منتشر نشوند.

چند هفته پیش هم بنیامین بهادری در کنسرت آمریکای خود به صورت علنی و از روی سن از مسئولان این سایت در ابتدا خواست که به‌هیچ‌وجه آثارش روی این رسانه غیرمجاز قرار نگیرد و اعلام کرد در صورت ادامه روند قبلی، به صورت رسمی و قانونی این موضوع را پیگیری خواهد کرد.

پشت‌بوم

واقعا نمی‌توان کاری کرد؟



حسین عبدالهاشم‌پور

● ۱- دیگر کسی از شنیدن شمایی از نوحه‌ها در هیأت‌های مذهبی حیرت نمی‌کند. سرزمینی که به غنای شعر و ادب در دنیا زبانزد است، در معنوی‌ترین آیین‌های مذهبی‌اش با سرایش‌هایی روبه‌روست که مایه حیرت است؛ در کنار متن، ارائه نوحه برمبنای ملودی‌هایی که جامعه ایرانی از آن خاطره‌های متفاوتی دارد دیگر پاشنه آشیل این روزهای مجالس روضه حسینی است که البته درد نخست چنان خانمان‌برانداز است که درباره دومی همه ترجیح می‌دهند خود را به نشناختن اصل ملودی بزنند.

۲- گویا اولویت‌بخشی به «شور» به‌جای شعور و تفکر سبب شده است نوحه‌هایی با مضامین پیش‌پاافتاده رواج یابد؛ جالب است که سال‌هاست معتبرترین تریبون‌ها چنین رویکردهایی در آیین‌های مذهبی را مذموم می‌خوانند اما در بر همان پاشنه می‌چرخد!

۳- آیین سوگواری برای مظلومیت امام‌حسین(ع) در زمره فرهنگ مردم ایران است و تاریخ از درآمیختگی آن با هنرهایی مانند تعزیه، نواهای موسیقایی حزن‌انگیز و مداحی‌هایی برمبنای ردیف‌ها و دستگاه‌های موسیقی ایرانی حکایت می‌کند؛ بنابراین برخی به‌درستی معتقدند از روزی که این مجالس روضه به‌جای فرهنگی‌ترشدن به توصیه‌های تند سیاسی آغشته شد و مداح که باید هم‌وغمش تصویرسازی حماسه کربلا و یادآوری آموزه‌های ارزشی آن باشد، در پی تبلیغ یک جریان سیاسی برآمد، مانند دومینویی، دیگر اصالت‌های این آیین گران‌قدر را به مخاطره افکنده شده است.

۴- اکنون بیم آن می‌رود با این تهاجم آشکار فرهنگی به آیین‌های سوگواری، عزاداران راستین حسینی در مساجد و هیأت‌ها مأمنی نیابند و به گوشه خانه پناه برند و با گوش‌سپردن به نوحه‌های اصیل به ساحت سالار شهیدان ابراز ارادت کنند با این پرسش غلیظ که آیا واقعا نمی‌توان کاری کرد؟!

زیر آسمان فیروزه‌ای

دعوت به تماشای هنر حقیقت‌خواهی

● **شرق:** پنجمین دوره نمایشگاه نقاشی «هنر حقیقت، نیکخواهی و بردباری» که برای پنجمین‌بار در ایران درحال برگزاری است، تاکنون در بیش از ۲۰۰ شهر در ۴۰ کشور دنیا به نمایش گذاشته شده. بخش عمده‌ای از آنچه این آثار ارائه می‌دهند برگرفته از وقایع حال‌حاضر چین است. این آثار به‌طور خاص به وضعیت تمرین‌کنندگان روش معنوی «فالون گونگ» در چین می‌پردازد. فالون گونگ (فالون دافا) نام یک روش مراقبه و تزکیه چینی است که از سال ۱۹۹۲ در چین محبوبیت زیادی پیدا کرد و حدود صدمیلیون چینی به آن گرایش پیدا کردند. به‌دنبال آن، حزب کمونیست چین از لحاظ اعتقادی و اجتماعی جایگاه خود را در خطر دید و سرکوب و زندان درخصوص فالون گونگ را در پیش گرفت چراکه نگران شد به این شکل باورهای کمونیستی از جامعه حذف شود. درون‌مایه این آثار مفاهیمی مانند ایمان به الهیات، بردباری، رحمت و نیک‌خواهی، نبرد بین خیر و شر، پیروزی نیکی بر پلیدی و تلاشی بی‌پایان برای بیدارکردن وجدان مردم دنیاست. این نمایشگاه ادای احترام به هنر مقدسی است که فراتر از زمان رفته است. نمایشگاه هنر حقیقت، نیکخواهی و بردباری شامل ۷۰ اثر است که توسط ۱۷ هنرمند خلق شده است. طرح ابتدایی نمایشگاه، نخستین‌بار توسط یک هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز به نام «ژانگ‌کونلون» مطرح شد. ایده ایجاد این نمایشگاه از تجربیات دوران حبس او در زندان‌های چین به وجود آمد. پس از مدتی نقاشان دیگری نیز به او پیوستند. ژانگ‌کونلون می‌گوید: «هنر ما از قلبی پاک می‌آید و آثارمان تجربیات شخصی‌مان را منعکس می‌کند. هنر قادر است روی طرز فکر مردم تأثیر عمیقی بگذارد و با اخلاقیات انسان ارتباط برقرار کند».

شیوه به‌کاررفته در نقاشی‌های نمایشگاه اکثرا کلاسیک است. هنرمندان، تکنیک‌های نقاشی رنگ‌روغن کلاسیک را که در گذشته توسط استادان قدیمی استفاده می‌شد به کار برده‌اند و به این شیوه، عنوان «رنسانس جدید» را داده‌اند. چند اثر دیگر نیز از اصول کلاسیک چینی روی ابریشم و کاغذ نقاشی ارائه شده است. نمایشگاه هنر حقیقت، نیکخواهی و بردباری پیش از این در فرهنگسرای بهمن تهران (زمستان ۹۱)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان (تابستان ۹۲)، نگارخانه کمال‌الدین بهزاد تهران (شهریورماه ۹۳)، سیتی‌سنتر اصفهان (زمستان ۹۳) و در شهرستان مشهد، سالن ترمه‌چی (پاییز ۹۲) برگزار شده است. نمایشگاه نقاشی «هنر حقیقت، نیکخواهی و بردباری» از ۲۷ تا ۲۹ مهر از ساعت ۱۰ صبح تا هشت شب در جامعه مهندسان مشاور ایران به نشانی تهران، خیابان ولنجک، خیابان بیست‌وششم، بلوار دانشجو، نبش گلریزان، شماره ۲۵ درحال برگزاری است.